

مبارزات عادلانه آزادیبخش ملی خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین یکی از سه جریان، در یک مسیر عظیم و نیرومند ضد ارتجاع، ضد جنگ غیر عادلانه، ضد استعماری و امپریالیزم جهانی در سیاره ماست.

استعمار نو

دوران معاصر، دوران اضمحلال کامل استعمار است.

در هم شکستن زنجیر اسارت استعمار، در زیر ضربات جنبش های آزادیبخش ملی، از نظر اهمیت تاریخی دومین حادثه ایست که بعد از ایجاد نظام جهانی نوین اجتماعی در جهان، روی داده است و بجای مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره سابق، بیش از ۷۰ کشور مستقل نوبنیاد در قارهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، با نفوس بیشتر از ۱۹۰۰ میلیون پدید گشته است. مردم این کشورها به دوران جدید تکامل اجتماعی خود گام نهاده و اکنون در سیاست بین المللی فعالانه شرکت می ورزند و بمثابة نیروی بزرگ انقلابی جهان، مبارزه عادلانه خود را دلیرانه پیش می برند.

باوجود آنکه اکثر کشورهای آس، آفریقا و امریکای لاتین، که در سابق مستعمره و نیمه مستعمره بودند استقلال سیاسی شانرا بدست آورده اند، ولی عملاً در قید وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای امپریالیستی میباشند و هریک از آنها، طبق شرایط مشخص کشور خود، به اشکال مختلف علیه امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی هوادار آن، مبارزه می نمایند. زیرا دولت های استعمارگر حاضر نیستند داوطلبانه از استثمار استعماری کشورهای نو با استقلال رسیده دست بردارند.

امپریالیستها و در راس آنها امپریالیزم اضلاع متحده امریکا، مذبحخانه تلاش میکنند با توسل به شیوه های نو و باشکال جدید به استثمار استعماری کشورهاییکه یوغ اسارت استعمار کهن را بدور انداخته اند، ادامه دهند.

امپریالیزم در پهلوی شیوه های کهنه استعماری، که هنوز در مورد بعضی از کشورها تطبیق می شود، شیوه های زرنگ تر، پنهانی تر و مهلک تر استعمار نو را بکار می برد. استعمار نو چیزی دیگری جز ادامه استعمار کهن به شکل جدید نمی باشد.

«استعمار نو، استعمار دوران تلاشی و ورشکست سیستم استعماری است. استعمار نو عبارت است از حفظ تسلط امپریالیستی و تحکیم و توسعه این تسلط در مستعمرات سابق به شکل مستور و زیر پرده» اینست تعریف صحیح و علمی از استعمار نو، که هیچگونه توجیه و طرف دیگر ندارد، هرگونه توجیه و طرفی برای

آن اختراع کردن، در حقیقت اذهان عامه را از دسایس استعمار نوین به سوی دیگر متوجه ساختن است، که این بذات خود، فهمیده یا ناهمیده خدمتی است بمرام امپریالیزم.

امپریالیستها کوشش میکنند تا از راه بکار بردن جمیع وسایل و شیوه های استعمار کهن و نوین پایگاههای جدید اجتماعی، اقتصادی و نظامی بدست آورند.

– ایجاد پایگاه ها و پکت های نظامی و سیاسی، از قبیل پیمان نظامی سنتو و سیاتو، موسسه کشورهای امریکایی و دیگر قرارداد های اسارت آور دو جانبه و چند جانبه نظامی و اقتصادی استفاده از آن بحیث موضع تعصبی علیه کشورهای صلحدوست و مکرراتیک و ملی و اخلاقی و وابسته.

– تشکیل فدراسیون های سیاسی در مستعمرات، بحیث توسل علیه پیروزی جنبش آزادیبخش ملی در مناطق مربوط آن، از قبیل فدراسیون رودیشیا و نیاسالند، فدراسیون شیخ نشینی های خلیج فارس، مالیزی و غیره.

– استعمار دسته جمعی و عملیات دسته جمعی، مانند ایجاد های مشترک و تجاوز مشترک مثلث علیه مصر و تجاوز بر کانگو و ویتنام.

– صدور سرمایه و تشکیل شرکت های مختلط، غرض جلوگیری از صنعتی شدن و رشد اقتصاد ملی کشورها.

– تعرض ایدئولوژیک علیه اندیشه های دموکراتیک خلق و عناصر مترقی و وطنپرست، زیر عنوان باصطالح مبارزه علیه ایدئولوژی های بیگانه (!)

– مداخله مستور در امور داخلی کشورها، از راه سازمانهای جاسوسی و «سپاه صلح».

تبلیغ، تشویق و تلقین راه رشد سرمایه داری و تقویه سکتور خصوصی در برابر راه رشد غیر سرمایه داری و سکتور دولتی اقتصاد. زیرا «تحکیم و توسعه سکتور دولتی، تربیه پرسونل فنی ملی و توسعه روابط با کشورهای صلحدوست پایه های استعمار نو را در هم می کوبد».

– تشویق جنگ های تجاوز کارانه محلی، تقویه روحیه جنگ طلبی و تجاوز و ضدیت با صلح جهانی.

حقوق کارگران

تلف میشود

هفته گذشته عده یی از کارگران شرکت تعمیراتی کهسار، به اداره پرچم مراجعه و نسبت به اینکه ریاست شرکت از یکسال به اینطرف، علی رغم قراردادی که با ایشان عقد کرده، از پرداخت حقوق شان سرباز میزند و به مراجعات مکرر آنان درین زمینه با زورگویی جواب میدهد، شکایت کردند.

طوریکه نماینده پرچم به غرض تحقیق موضوع با مقام مسوول شرکت تعمیراتی کهسار تماس گرفت، مقام موصوف به حقیقت امر اعتراف کرد، ولی از ایفای تکلیف خود در برابر ادعای قانونی کارگران شانه خالی نمود.

پرچم که دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان محروم کشور را وظیفه بزرگ خوی میداند، جداً دقت مقامات مسوول را درین مورد جلب میکند و طرح و تصویب قانون عادلانه کار و کارگر را به نفع کارگران کشور در برابر اینگونه خودسریها و حق تلفی ها امری جدی و ضروری میداند.

ایجاد تفرقه و نفاق، عدم اتحاد و پخش اتهامات ناروا در بین نیروهای ملی، وطنپرست و سوسیالیست و ترقیخواه، جلوگیری و تخریب جبهه متحد ملی و دموکراتیک که علیه ارتجاع داخلی و بین المللی مبارزه مینماید.

– برانگیختن اختلافات ملی، نژادی و غیره علیه دولت مرکزی.

– تفرقه انداز کردن دولت مرکزی و توطئه در برابر اقتصاد، تصمیع و تهدید علیه دولت اینست وسایل چندیکه صورت فورمول بندی شده، از شیوه ها و اشکال جدید استعمار نوین است که در آینده راجع به اشکال و چهره های مختلف آن و خطراتیکه از این ناحیه به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورهای کم رشد متوجه است، بطور مفصل بحث بعمل خواهد آمد.

میراکبر (خبیر)

عفریت ارتجاع

عفریت ارتجاع،
جلاد کهنه کار!
خود را نگاهدار... که توفان
خشم خلق،
این سیل بی امان:
آخر به کام مرگ فرو میبرد ترا.*

ای اهرمن!...
گریخت در آغوش قرنها،
آن شوم لحظه ها...
کاندیشه های تار تو چون اختر
سیاه،
یا چشم دوزخی،
آکنده از گناه...
در آسمان روشن پندار خلقها،
میکرد جلوه ها.*

آری ... گذشت!...
آنروزها گذشت که دیو سیه درون،
با جامه سپید، مرموز و پر
فسون...
گمگشتگان وادی شبهای جهل را،
در پرتگاه وهم،
میکرد سرنگون.*

ای گرگ پارسا!...
روبای پیر در دل ویرانه قرون!
امروز، علم رهبر بیدار خلقهاست،
انسان به پال دانش نو میرود به
ماه.
بس روشن است راه. وین مرغ
چرختاز،
هرگز نمی پرد،
اندر هوای تو، اندر هوای تو که
چو روح گناهکار...
بس تیره است و تار.*

ای جغد کور!
بر برج قلعه کهن، این آشیان شوم
بیجا نهاده نی.
اینجا مسیر سیل خروشان زندگیست
فرزند روزگار نو، این موج پیشرو،
آخر بکام مرگ فرو میبرد ترا!.

(بارق شفیی)

پرچم

به دو زبان پشتو و دری فعلاً بروزهای
پنجشنبه نشر می شود

اشتراک
مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغانی
ولایات و پشتونستان: سالانه
۱۱۰ - افغانی
خارج کشور: سالانه ۱۰ دالر
قیمت یک شماره: ۲ - افغانی

سال تاسیس: حوت ۱۳۴۶
صاحب امتیاز و مدیر مسوول:
سلیمان (لابق)
آدرس: غوثی مارکیت
محمد جانخان و اب
کابل - افغانستان

نمبر حساب جاری جریده: ۳۸۵۳ پبنتنی تجارتی بانک

مطبعه دولتی

تایپ: قاسم آسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض